



۳ فیبروری ۲۰۱۴



داکتر سید عبدالله کاظم

## درسی که باید از گذشته آموخت!

درباره انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در سال 2009

(به استناد کتاب: کای آیدی: «مبارزه قدرت در افغانستان»)

Kai Eide: Power Struggle over Afghanistan

قسمت دوم

### جدال بر سر تعیین تاریخ انتخابات

تعیین تاریخ انتخابات در سال 2009 یکی از مشکلات عمده در آغاز کار بود. بر اساس قانون اساسی افغانستان اعلام تاریخ برگزاری انتخابات از صلاحیت کمیسیون انتخابات است، البته قید شده که کمیسیون باید بعد از مشوره با رئیس جمهور و احزاب سیاسی تاریخ دقیق برگزاری انتخابات را اعلان کند. بر طبق قانون اساسی انتخابات باید بین اول تا 30 ثور (22 اپریل و 20 می) برگزار گردد. کمیسیون انتخابات قبلاً طی یک نشست با حضور همه شخصیت های برجسته سیاسی و به موافقه رئیس جمهور نسبت مشکلات متعدد (از جمله خرابی راه ها، شدت ناامنی، کمبود بودجه، مشکلات لوژستیکی، ناتمام بودن علمیه ثبت نام رأی دهندگان، دیر رسیدن قوای اضافی ناتو جهت برقراری امنیت انتخابات و کمبود وقت لازم برای مبارزات انتخاباتی کاندیدها) تدویر انتخابات را در آن تاریخ ناممکن خوانده و روز 29 اسد (20 اگست) را تاریخ مناسب برای آن اعلام کرده بود. اما بعداً رئیس جمهور کرزی با صدور یک فرمان در ماه مارچ از کمیسیون انتخابات خواست تا بر طبق قانون اساسی انتخابات را در ماه ثور «اپریل — می» برگزار کند.

این فرمان با آنکه بر مبنای قانون اساسی استوار بود، ولی در عین زمان بر علاوه مشکلات عملی در دو مورد قانون انتخابات را که البته به فرمان رئیس جمهور نافذ شده بود، نقض میکرد: ماده 44 قانون انتخابات حکم میکرد که: «احزاب سیاسی و نامزدهای که در انتخابات شرکت میکنند، مکلف اند 75 روز قبل از برگزاری انتخابات به صورت کتبی از تصمیم خود به کمیسیون انتخابات اطلاع دهند؛ همچنین ماده 37 این قانون تأکید داشت که: «کمیسیون انتخابات تاریخ برگزاری انتخابات را باید اقل 90 روز پیش رسماً اعلام کند». در اینحال اگر انتخابات بر طبق فرمان کرزی و بر طبق قانون اساسی در بهار آن سال دائر میگردد، مواد فوق الذکر قانون انتخابات نقض می شد. علاوه تعویق برگزاری انتخابات یک مشکل دیگر را نیز بار می آورد و آن اینکه چه کسی افغانستان را از آن زمان تا تعیین رئیس جمهور جدید اداره خواهد کرد، زیرا بر طبق قانون اساسی دوره کار رئیس جمهور در اول جوزا (22 می 2009) به پایان میرسد و سؤال مشروعیت کار رئیس جمهور طی این سه ماه یک مشکل جدی دیگر را به وجود آورده بود.

هالبروک R. Holbrooke نماینده خاص رئیس جمهور امریکا برای افغانستان و پاکستان که تازه به این سمت گماشته شده بود، حمایت خود را از نظر کمیسیون انتخابات ابراز داشت و تلاش کرد کرزی را به موافقت به آن قناعت دهد. این اولین برخورد هالبروک با کرزی بود که بر مناسبات بعدی بین آنها سایه افگند. اما کای آیدی که از یکطرف مسئول نظارت بر انتخابات از طرف ملل متحد بود و از طرف دیگر اجرای این امر خطیر را به حیث یک رسالت عمده در شغل سیاسی خود میدید، در مرکز این مشکل قرار داشت و اینکه چگونه بر آن فایق آمد، بهتر است از زبان خود او شنید، طوریکه در این فصل کتاب خود آنرا بیان کرده است:

### اقدام تعجب انگیز تاکتیکی کرزی

(فصل چهاردهم کتاب، از صفحه 99 الی 106)

مترجم: داکتر کاظم

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: د لیکنيزې بڼې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

آمادگی های مقدماتی برای انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی قبل از آنکه من در ماه مارچ 2008 (اواخر حوت 1386) به کابل برسم، شروع شده بود. برای اولین بار کمیون مستقل انتخابات که اعضای آن از طرف رئیس جمهور تعیین گردیده بودند، مسئولیت سازماندهی انتخابات را بدوش داشت، برعکس آنچه که در دوره قبل ملل متحد موظف انجام این وظیفه بود. در این دوره جامعه جهانی بر علاوه تمویل انتخابات، نقش حمایتی را دارا بود. پروگرام انکشافی ملل متحد مسئولیت اصلی را برای تهیه حمایت و کمک به کمیون مستقل انتخابات از طریق پروژه بنام «تقویة ظرفیت انتخاباتی و حقوقی» پیش می برد. یک کمیون جداگانه بنام «کمیون شکایات انتخاباتی» برای بررسی شکایات نیز به وجود آمده بود که اعضای آن یک نفر از طرف ستره محکمه، یک نفر از طرف کمیون مستقل حقوق بشر افغانستان و سه عضو بین المللی به انتخاب نماینده خاص ملل متحد یعنی من تعیین می شدند که به این اساس هر تصمیم کمیون شکایات بسته به تائید اقلای یک عضو بین المللی بود. نقش من دو جهت داشت: نظارت بر امور ملل متحد و شخص ارتباطی جامعه بین المللی با مقامات افغان.

یک گروه از سیاستمداران برجسته افغان و نمایندگان کلیدی بین المللی در بهار 2008 باهم ملاقات کردند و موافقه نمودند که انتخابات در خزان 2009 دائر گردد، با آنکه ما یک سند مبنی برهمچو توافق را نیافتیم، اما یونس قانونی رئیس ولسی جرگه آنرا مورد سؤال قرار داد و ادعا کرد که او هیچوقت با این موعد موافقه نمیکند و گفت که صلاحیت همچو تصمیم را به نمایندگی از ولسی جرگه ندارد که انتخابات بعد از موعد معینه ای مندرج قانون اساسی برگزار گردد و اصرار داشت که برطبق قانون اساسی انتخابات باید در یکی از روزها بین 22 مارچ و 22 اپریل 2009 دائر شود، زیرا دوره ریاست جمهوری کرسی بتاریخ 22 می 2009 (اول جوزای 1388) به پایان میرسد. قانونی استدلال میکرد که اگر انتخابات بعد از آن تاریخ صورت گیرد، درآنصورت رئیس جمهور باید استعفی دهد تا وقتیکه انتخابات به پایان برسد. به نظر او کرسی بعد از 22 می رئیس جمهور مشروع نخواهد بود.

ما همه می دانستیم که تدویر انتخابات در زمان معین مندرج قانون اساسی عملی نیست. وقت برای اینکار بسیار کوتاه است. تا آنوقت مواد برای انتخابات طرح و تدارک نشده بود، رأی دهندگان و کاندید ها باید راجستر می شدند و مبارزات انتخاباتی باید براه می افتاد، تدابیر امنیتی به پیمانۀ لازم اتخاذ نشده بود و ورقه های رأی دهی و سائر مواد در سرتاسر کشور توزیع نگردیده بود. همچنان کارمندان انتخابات به ده ها هزار باید رهنمائی و آموزش داده می شدند و پروگرام آموزشی برای رأی دهندگان باید به پایان میرسید. هرگاه به موعد معینه قانون اساسی احترام می شد، باید درآنصورت همه چیز ها در موعد بسیار کوتاه عملی می گردید. انتخابات تحت شرایط جنگ وقتی نتیجه میدهد که بیشترین ساحات کشور قابل دسترسی باشند. اگر در روز انتخابات خطراتی متوجه رأی دهندگان در بعضی از ساحات کشور گردد، اینکار مانع رفتن شان به پای صندوق های رأی خواهد شد.

در اول موقف رئیس جمهور آن بود که برطبق قانون اساسی او برای پنج سال انتخاب شده است. اولین انتخابات در اکتوبر 2004 (قوس 1383) صورت گرفت و کرسی تا ماه دسامبر مراسم تحلیف را بجا نیاورد. به این اساس رئیس جمهور اصرار داشت که مشروعیت ریاست جمهوری او بسیار فراتر از تاریخ مورد توافق انتخابات 2009 میباشد. اما قانونی در نظر خود جدی بود و هیچ نشانه از تغییر نظر در او دیده نمی شد. نمایندگان جامعه بین المللی اشاره به آنچه میکردند که در انتخابات گذشته ریاست جمهوری در 2004 صورت گرفته بود. در آنوقت یک توافق سیاسی بین رهبران افغان بعمل آمد تا انتخابات در موعد بعد تر از آنچه در قانون اساسی تعیین شده بود، بعمل آید. ما از آنها میخواستیم تا به عین شیوه اکنون نیز توافق نمایند.

من از قانونی خواهش کردم تا بگذارد از این تنگنا عبور شود؛ دراینحال او از حمایت تعداد زیاد نمایندگان ولسی جرگه برخوردار بود. قانونی ادعا میکرد که رئیس جمهور برای سالهای متمادی به شورای ملی و رهبران انتخابی آن عطف توجه نکرد و بدینوسیله او در برابر خود گروه مخالف را ایجاد نمود. به گفته قانونی: آنها چندین بار کوشیدند تا با رئیس جمهور صحبت نمایند، لکن رئیس جمهور به آنها موقع نداد. من موافقم که رئیس جمهور باید روابط نزدیک را با شورای ملی برقرار میکرد. ولی این نمیتوانست یک دلیل مقنع برای پرتاب کردن کشور در یک بحران قانون اساسی و بی ثباتی سیاسی باشد. بهار و تابستان آینده شاید وسط فصل جنگها باشد و بهتر خواهد بود که تا آنوقت ما موفق به داشتن مؤسسات مشروع و فعال گردیم. البته دلایل من تأثیر کم داشت و مباحثات ادامه یافت.

د پانیو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

من با جمع همکاران بین المللی خود همه امکانات را برای بیرون شدن از بحران جستجو میکردیم. آیا رئیس ستره محکمه عبدالسلام عظیمی میتوانست اعلام نماید که رئیس جمهور مشروعیت خود را تا تدویر انتخابات حفظ میکند؟ معلوم می شد که این امکان عملی نخواهد شد، زیرا دیدیم که عظیمی نمیخواهد در یک معضله سیاسی، بخصوص در ارتباط با قانون اساسی نقش بازی کند. آیا رئیس جمهور میتواند به حیث رئیس اداره مؤقت و یا حکومت سرپرست با صلاحیت محدود در مقام باقی بماند؟ این تقریباً همان چیزی بود که مخالفان سیاسی او میخواستند یعنی یک ریاست ضعیف برای سه ماه تابستان. رئیس جمهور همچو راه حل را قبول نمیکرد و نیز نگرانی جامعه بین المللی را جدی نمی گرفت. آیا یک راه حل دیگر وجود داشت مبنی برآنکه مجددی رئیس مشرانو جرگه را به حیث رئیس جمهور مؤقت برای همین وقفه زمانی در نظر گرفت؟ این نظر که مجددی سالمند و ضعیف از این کار ولو برای مدت کوتاه بدر آید، قابل نگرانی بود و رئیس جمهور هرگز به اینکار موافقت نمیکرد. آیا ممکن بود که یک حالت اضطرار اعلام گردد، طوری که قانون اساسی اجازه میداد؟ بسیار مضحک معلوم می شد که به مقصد تدویر انتخابات آزاد و دموکراتیک، چنان قیود جدی ناشی از اعلام حالت اضطرار وضع میگردد.

رئیس جمهور تهدید میکرد که لویه جرگه را برای حل این مشکل دائر خواهد کرد، چیزیکه هیچیک ما اعم از افغانها و جامعه بین المللی آنرا نمی خواستیم. زیرا ممکن بود که در لویه جرگه هر موضوع مطرح شود به شمول موضوعاتی که ما در آن وقت از طرح آن دوری می جستیم، از قبیل خروج قوای بین المللی و یا تعمیم جدی قوانین شرعی. ما در یک حالت بسیار مقید قرار داشتیم.

بتاریخ 28 جنوری 2009 (8 دلو 1387) کمسیون مستقل انتخابات اعلام کرد که انتخابات بتاریخ 20 اگست (29 اسد 1388) دائر خواهد شد. تعیین تاریخ مبتنی بود بر کلیت، شفافیت و منصفانه بودن، زیرا در آنوقت میتوانستیم انتخابات را بطور درست دائر کنیم و زمینه را برای حضور بیشترین رأی دهندگان فراهم سازیم. ولی تعیین این تاریخ باز هم با مشکل عدم توافق همراه بود. مخالفان سیاسی اصرار داشتند که بین 22 می و 20 اگست رئیس جمهور فاقد مشروعیت میباشد. حتی احمد ضیا مسعود معاون اول رئیس جمهور نیز واضح ساخت که اگر رئیس جمهور با پایان یافتن کارش در 22 می (اول جوزای 1388) از مقام کنار نرود، او از انتخابات حمایت نخواهد کرد.

بتاریخ 3 فبروری (14 دلو 1387) بمن اطلاع دادند تا با رئیس جمهور و یک تعداد سیاستمداران برجسته به شمول رهبران مخالف ملاقات نمایم. مذاکرات در آنروز صورت گرفت و اما پیشرفتی به مشاهده نرسید. چند روز بعد بار دیگر به دیدار رئیس جمهور رفتم و ما باز هم چند بار در باره تغییر وقت انتخابات و پیشرفت امور آن مذاکره کردیم و به رئیس جمهور گفتم که انتخابات به هیچ صورت قبل از تابستان دائر شده نمی تواند. او بخوبی میدانست و اما از نحوه گفتارش معلوم می شد که یک بازی خطیر تاکتیکی را در نظر دارد و میخواهد مرا قبل از اجرای آن آگاه سازد.

در این موقع ریچارد هالبروک Richard Holbrook از طرف رئیس جمهور ایالات متحده امریکا به حیث نماینده مخصوص برای افغانستان و پاکستان مقرر گردید. او قبلاً برای چند روز به افغانستان آمده بود و باهم ملاقات کرده بودیم. واشنگتن مصروف مباحثات تشدید در باره اعزام قوای زیادتر برای تأمین امنیت انتخابات بود و اما اینکار به وقت بیشتر ضرورت داشت. یک روز عصر که هالبروک با کرسی دیدار داشت، از من خواستند با ایشان در قصر ریاست جمهوری ملاقات کنم. وقتی به آنجا رسیدم، هالبروک مصرانه از کرسی تقاضا میکرد تا راه حل [مبنی بر تعویق تاریخ انتخابات] را بپذیرد. آیا او حاضر بود که تاریخ 20 اگست را برای انتخابات قبول کند؟ رئیس جمهور او باما در نظر داشت تا تعداد قوا را به 17000 افزایش دهد و اما میخواست درباره تاریخ انتخابات مطمئن شود. کرسی نه چندان به میل، ولی به هالبروک درباره موضوع اطمینان داد.

چند روز بعد من برای سالگره روز تولد خود به کوهستانات کشورم «ناروی» رفتم. در همان روز یعنی 28 فبروری (9 حوت 1387) قصر ریاست جمهوری در کابل به من اطلاع داد که رئیس جمهور یک فرمان صادر کرده و به کمسیون مستقل انتخابات هدایت داده تا انتخابات را مطابق به قانون اساسی در 22 می یعنی قبل از آن روز که موعد قانونی آن بسر برسد، دائر نماید. این فرمان بصورت فوری یکنوع مغشوشیت را در مراکز مهم بین المللی به وجود آورد. در واشنگتن این نگرانی بیشتر بود تا حد ناراحتی و عصبیت. کرسی قبلاً به هالبروک وعده داده بود که تاریخ 20 اگست را می پذیرد و اما حالا پس از چند روز بر وعده خود استوار نماند. اداره او باما در نظر داشت با ارسال یک پیام رئیس جمهور کرسی را به پایداری به تاریخ 20 اگست توصیه نماید و من نیز در اینکار تشویق شدم. از زمانیکه از جریانات در کابل مطلع شدم، از همکاران امریکائی خود خواستم تا بسیار زیاد نگران نباشند. من با دفتر

د پانوی شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

رئیس جمهور کرزی بطور منظم در تماس بودم. اما هالبروک واضحاً احساس اطمینان نمیکرد و نگران آن بود که مبادا رئیس جمهور به تاریخ اصلی اصرار نماید. درکابل کرزی بازی را به شکل دیگر چرخ میداد. اکنون او کسی بود که به رعایت قانون اساسی تأکید میکرد و مخالفان سیاسی خود را در موقف دفاعی قرار داده بود. همه رهبران برجسته مخالفان با تمام معنی میدانستند که انتخابات زودرس برای آنها غیرعملی است، اما آنها برای تعویق انتخابات به این دلیل دل بسته بودند که رئیس جمهور در موقف رئیس جمهور سرپرست از مشروعیت و صلاحیت کامل برخوردار نبوده و به حیث یک کاندید ضعیف در مبارزات انتخاباتی اشتراک خواهد کرد و توانائی او در جهت استفاده از دستگاه حکومت و دادن وعده به دیگر رهبران در بدل حمایت آنها صدمه خواهد دید. مخالفان میدانستند که یگانه شخص که از مزیت انتخابات زودرس استفاده خواهد کرد، شخص رئیس جمهور خواهد بود و کاندید های مخالفان در اینصورت جهت راه اندازی مبارزات واقعی انتخاباتی با کمی وقت روبرو خواهند شد.

بعد از 4 مارچ وقتی به کابل برگشتم، به دفتر رئیس جمهور احضار شدم. بسیاری از رهبران سیاسی کشور در آنجا حضور یافته بودند، به شمول مجددی رئیس مشرانو جرگه و میرویس یاسینی معاون ولسی جرگه. همچنان تعدادی از اعضای برجسته حکومت نیز همراه با رئیس جمهور و رئیس ستره محکمه عظیمی و رئیس کمیسیون مستقل انتخابات دکتر عزیزالله لودین همه حاضر بودند. رئیس جمهور واضح ساخت که او حتی یک روز هم نمیخواهد بدون مشروعیت کامل در مقام باشد، به عبارت دیگر موضوع رفتن به انتخابات زودرس هنوز هم مطرح بود. لودین در مورد تاریخ تعیین شده از طرف کمیسیون مستقل انتخابات هنوز هم استدلال میکرد. من می گفتم که دیگر این سؤال مطرح نیست که انتخابات در ماه می یا ماه اگست صورت گیرد، بلکه سؤال اینست که اگر میخواهید انتخابات بطور عموم دائر شده بتواند، هیچ بدیل عملی غیر از ماه اگست وجود ندارد. در این ارتباط

عظیمی گفت که در همچو موضوع قبلاً یک تفاهم سیاسی صورت گرفته بود که آنها کاملاً برطبق قانون اساسی نبود. در آنجا هیچ نظر جدی و هیچ اصراری مبنی بر اینکه انتخابات به تعویق افتد، در برابر تشویش رئیس جمهور مطرح نشد، حتی معاون رئیس جمهور (ضیاً) مسعود نیز تا حدی نظر انعطاف پذیر پیدا کرده بود.

من درباره وضع با رئیس کمیسیون انتخابات لودین در اوائل صبح همان روز قبل از آغاز مجلس صحبت کردم. او آماده بود با نشر یک اعلامیه تصریح کند که تاریخ 20 اگست هنوز هم مدار اعتبار است. بحث به همین منوال در مجلس روان بود که دفعه‌تاً بین کرزی و لودین یک مناقشه شدید شعله ور شد. من ندانستم که آنها یکی به دیگر چه گفتند، ولی دیدم که دیگر اشتراک کنندگان شروع به خارج شدن از اتاق کردند، بدون آنکه به کدام نتیجه قطعی رسیده باشند. من دچار سردرگمی و نیز نگران اوضاع شدم، زیرا ما نمی توانستیم به پلانگذاری خود بدون تعیین یک تاریخ قطعی ادامه دهیم. در همین چند روز یک ملاقات وزرای ناتو نیز در نظر بود و من نمیخواستم که وزرای ناتو با این همه دشواریها در کابل راجع به افغانستان و انتخابات صحبت کنند. بهرحال من از اتاق مجلس بیرون رفتم تا از منزل پایان تعدادی از اشتراک کنندگان را دوباره به مجلس برگردانم. یک گروه از شخصیت های کلیدی در دفتر رئیس جمهور جمع کرده بودند. لودین میخواست فوراً یک اعلامیه مبتنی بر ملحوظات حقوقی در جهت تأیید 20 اگست به حیث روز انتخابات صادر کند، ولی عظیمی احتجاج کرد. عظیمی می گفت که هیچ دلیل حقوقی با اعتبار برای تعویق انتخابات در 20 اگست وجود ندارد و لودین واجد این صلاحیت نیست که قانون اساسی را تفسیر کند. هرگاه لودین موضوع را بر مبنای حقوقی اعلام کند، در انصورت او رسماً با آن مخالفت میکند ولی اگر تصمیم گرفته شود، باید به اساس ملاحظات و دلایل عملی باشد، نه قانونی. در اخیر لودین از اصرار مزید منصرف شد و موافقه نمود.

چند ساعت بعد کمیسیون انتخابات یک اعلامیه را به نشر سپرد و روز 20 اگست را تثبیت نمود. رهبران و نمایندگان بین المللی از این تصمیم استقبال کردند. رهبران مخالف با ابراز تبصره ها این تصمیم را مورد انتقاد قرار دادند، اما با آن مخالفت نکردند. چند روز بعد کرزی نیز تاریخ را قبول کرد. مشکل وقتی به پایان رسید که عظیمی بتاريخ 29 مارچ رسماً اعلام کرد که رئیس جمهور میتواند با تمام صلاحیت تا تدویر انتخابات بکار ادامه دهد. ما بدینوسیله از یک بحران سیاسی و بحران قانون اساسی جلوگیری کردیم؛ تاریخ تعیین گردید و معضله مشروعیت رئیس جمهور طی مدت سه ماه از می تا اگست نیز وضاحت پیدا کرد و بالاخره دانستیم که چه اندازه وقت برای تدارک همه کارها در اختیار داریم.

کمیسیون مستقل انتخابات ثبت نام رأی دهندگان را قبلاً آغاز کرده بود و آن یک موضوع بسیار مغلق و اما لازمی بود تا همه رأی دهندگان را در عین زمان و تحت شرایط موجود امنیتی ثبت نام کند. کشور به چهار قسمت تقسیم شده بود

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

و ثبت نام طی مراحل تا ختم ماه فبروری صورت گرفت. آن عده رأی دهندگان که کارت های رأی دهی را در انتخابات گذشته بدست داشتند، ضرورت به ثبت نام مجدد نداشتند. عملیه ثبت نام به کسانی محدود بود به رأی دهندگان جدید و کسانی که کارت های سابقه را در دست نداشتند. هیچکس نمیدانست که چه تعداد رأی دهندگان کارت های سابقه را نگهداشته بودند، ولی حدس زده می شد که بیشتر مردم در دهات نسبت به مردم شهرها کارت های سابقه را با خود داشتند. بزودی معلوم شد که ارقام ثبت نام متعادل نیست. مردم قادر نبودند تا در وقت معین نظر به مشکلات فاصله بین محل سکونت و محل ثبت نام به مراکز ثبت نام حاضر شوند. باید مراکز سیار تشکیل می شد و موعد ثبت نام تمدید می یافت. بهر حال امکان بی نظمی ها زیاد بود. بعضی ها دو و سه بار ثبت نام کردند. اشخاص بسیار جوانتر از 18 ساله نیز برای رأی دهی ثبت نام کردند. در بعضی ولایات تعداد خانم ها که ثبت نام کردند، بطور نامتناسب بسیار زیاد بود. در قندهار و ننگرهار تعداد ثبت نام شوندگان به مراتب بیشتر از کابل بود که واضحاً غلطی را نشان میداد و اما در کابل کنترل عملیه ثبت نام نسبت به آن دو ولایت تاحدی جدی تر بود.

کمیسیون انتخابات فکر میکرد که این همه مشکلات در روز انتخابات حل میشوند، زیرا در آن روز همه مجبور بودند انگشت خود را در رنگ مخصوص غوطه دهند تا از رأی دهی دوباره جلوگیری شود. ما میدانستیم که بی نظمی و تقلب صورت خواهد گرفت و جلوگیری از آن برای ما مشکل بود، با آنهم ما و کمیسیون انتخابات از یک تعداد میکانیزم ها استفاده کردیم تا موارد تقلب را کشف کرده بتوانیم. (پایان فصل)

(ادامه دارد)

---

د پانیو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ